

تبارشناسی نقوش آثار تپه زیویه در هنرهای باستانی بین‌النهرین و آسیای صغیر

ساسان نجفی*^۱، سعید احمدی علیایی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۱

چکیده

ریشه‌های هنرهای باستانی ایران، علاوه بر فرهنگ بومی ایرانی، در فرهنگ تمدن‌های همسایه نیز نهفته است. هر بخشی از ایران در دوران باستان با تمدن‌های مهمی هم‌مرز بوده‌اند. طوری که از شرق با فرهنگ‌های هندی و از غرب با مردم شهرنشین بین‌النهرین روابط تنگاتنگی داشتند. این ارتباطات آثار خود را در همه جوانب زندگی نشان می‌دادند. و هنر به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم فرهنگ، از این اثرات بی‌نصیب نبود. این مقاله قصد دارد، برخی از نقوش هنر بومی-باستانی غرب ایران را در فرهنگ‌های باستانی بین‌النهرین و آسیای صغیر بررسی کند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی خواهد بود و نمونه‌های آماری مطالعه، محدود بر آثار تپه زیویه. نتایج پژوهش نشان داده است که قالب کلی اکثر آثار بر اساس هنر آشوری انتخاب شده و تنها در مورد دستبند طلایی، شکل کلی اثر مبتنی بر هنر اورارتویی بوده است. جزئیات در آثار پیش‌گفته بیشتر از اینکه تحت تأثیر آشوریان بوده باشد، یا ملهم از فرهنگ بومی است و یا اینکه با نگاهی به هنر اورارتویی پرداخته شده است. مانند ظاهر انسانی پادشاهان، داشتن تبسم یا کم‌پشت بودن ریش مردان. مفاهیم و دلالت‌های نقوش آثار هنری تپه زیویه، براساس تفکرات بومی شکل گرفته ولی به دلیل تأثیرات بصری همسایگان، برخی از دلالت‌های ضمنی وارد هنر مانتایی شده است.

واژگان کلیدی: زیویه، اورارتو، آشور، بین‌النهرین، آسیای صغیر

۱- کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه sasan-najafi12@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد رشته پژوهش هنر استاد مدعو رشته نقاشی دانشگاه ارومیه

۱- مقدمه

فرهنگ هر سرزمینی در پیشرفت تاریخی خود دو سرمنشاء مهم و اساسی دارد: اول پیشینه‌ی تاریخی آن سرزمین است و دوم فرهنگ و تمدن سرزمین‌های مجاور. این فرضیه در مورد تمدن‌های باستانی، از اهمیت بالاتری برخوردار است. چرا که روابط سیاسی و اجتماعی در آن دوران بسیار روان تر و وسیع تر از امروز بود. عدم تعریف مرزهای دقیق جغرافیایی و سیاسی سبب می‌شد که مردمان به مراتب بهتر و بیشتر با یکدیگر در ارتباط باشند. به همین دلیل فرهنگ هر تمدنی علاوه بر اینکه بر اصول سنتی خود پایبند می‌ماند در مقابل فرهنگ‌های وارداتی هم چندان خصومتی نشان نمی‌داد. ایده تبادل فرهنگ بارها و بارها مورد توجه نظریه‌پردازان مختلف، مانند ژرژ دومزیل^۱، (والد، ۱۳۸۸: ۵-۹) و لوی استروس^۲ (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۹۲) قرار گرفته است. مناسبات بینا فرهنگی در مطالعات قرن بیستم به قدری جدی دنبال می‌شد که برخی از نظریه‌پردازان تلاش می‌کردند به الگوی واحدی از فرهنگ دست یابند که درباره تمامی تمدن‌های باستانی جهان صدق کند. دومزیل این ایده را درباره‌ی تمدن‌های هندو اروپایی دنبال کرد و استروس، به تمدن‌های آفریقایی و آمریکای لاتین توجه بیشتری نشان داد. تمدن‌های باستانی بین‌النهرین نیز مانند اکثر قدرت‌های باستانی، در زندگی فردی و اجتماعی خود علاوه بر حفظ آیین‌های بومی و ملی، از نشانه‌های فرهنگی تمدن‌های همسایه بهره‌مند می‌شدند. این همسایه‌ها شامل سرزمین‌های جنوبی مانند مصر و قدرت‌های شمالی مانند آسیای صغیر بود. اگرچه درباره‌ی اقوام اولیه بین‌النهرین اطلاعاتی چندان در دست نیست و ما به طور قطع نمی‌دانیم سومری‌ها در ادامه چه تمدن‌هایی رشد کرده‌اند، اما می‌توانیم برخی از مناسبات و روابط بینا فرهنگی را از طریق آثار به جا مانده از بین‌النهرین دنبال کنیم. با این همه تمدن‌های بین‌النهرین، همانطور که خود از گذشتگان بهره‌مند شدند، برای آیندگان هم به عنوان یک واحد فرهنگی منسجم و پایدار اثرهای وسیع و عمیقی گذاشتند. یکی از تمدن‌های مهمی که بعد از پایان سومر و بابل و در اواخر حکومت آشور در شمال غرب ایران ظهور کرد، تمدن ماننا بود. دو منبع عمده‌ی اطلاعات ما درباره ماننایی‌ها شامل کتیبه‌های آشوری و اورارتویی و همینطور آثار هنری کشف شده از شمال غرب کشور می‌شود. از کتیبه‌های آشوری می‌توان فهمید که ماننایی‌ها هرگز به عنوان یک قدرت مستقل در منطقه ظاهر نشدند و در تمامی طول حیات خود به صورت یک قوم خودمختار تحت نظر امپراطوری‌های قدرتمند ادامه زندگی دادند؛ آشور، اورارتو و ماد از جمله آن امپراطوری‌ها هستند. به همین دلیل در اکثر آثار یافت شده از محوطه‌های باستانی ماننایی تأثیرات امپراطوری‌های همسایه قابل تأمل و بررسی به نظر می‌رسد (حسن زاده، ۲۰۱۱: ۴۰۸. ویلکسون، ۱۹۶۹: ۲۱۳). بنابراین در این مقاله قصد داریم آثاری هنری یافت شده از تپه زیویه، واقع در شهرستان سفر کنونی، را در تمدن‌های باستانی بین‌النهرین و آسیای صغیر تبارشناسی کنیم.

۲- اهداف تحقیق

۱. شناسایی ریشه‌های بصری آثار هنری تپه‌زیویه در تمدن‌های باستانی بین‌النهرین و آسیای صغیر
۲. تبارشناسی مفاهیم به کار رفته در آثار هنری تپه زیویه در تمدن‌های باستانی مذکور

۳- روش تحقیق

روش اجرای این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. به طوری که در ابتدای راه از میان آثار هنری منطقه یادشده، آن مواردی که احتمال تأثیرپذیری بیشتری داشتند، انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. برای مطالعه جنبه‌های بصری و مفهومی نقوش از منابع علمی و پژوهشی استفاده گردیده است. سپس با نگاهی به ویژگی‌ها و شاخصه‌های هنری بین‌النهرین و آسیای صغیر، تلاش شده روابط نسبتاً معین و مشخصی میان دو سوی پژوهش برقرار گردد. بنابراین، این مطالعه از آن جهت که ابتدا آثار هنری تپه زیویه را به طور دقیق توصیف خواهد کرد و سپس به تحلیل روابط موجود با تمدن‌های گذشته خواهد پرداخت، یک تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

۴- ادبیات موضوع

پیش از پرداختن به یافته‌های تحقیق ضروری است درباره‌ی آثار تپه زیویه، شاخصه‌های هنر اورارتویی و هنر تمدن‌های باستانی به طور مختصر مطالبی ذکر گردد.

1 - Georges Dumezil

2 - Claude Lévi-Strauss

همانطور که گفته شد، دولت ماننا مهمترین قدرت باستانی منطقه آذربایجان امروزی بود. مرزهای این قدرت از شمال غرب به تمدن اورارتو و از جنوب به کردستان امروزی می‌رسید. همینطور از شرق به شهر تبریز کنونی و از غرب به شهر وان ترکیه^۱ (لوین، ۱۹۷۴: ۹۹-۱۲۴) دولت ماننا از سده‌ی نهم پیش از میلاد، بارها با آشور و اورارتو به مبارزه پرداخت. این کشورها بعدها هسته اصلی تمدن ماد را تشکیل داد و در سده هفتم پیش از میلاد جذب آن تمدن شد. (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۱۶۳-۱۷۰)

محوطه‌های باستانی تپه حسنلو، تپه قالاچی و تپه زیویه از مهمترین مناطقی است که آثار ماننایی کشف شده‌اند. (حسن زاده، ۲۰۱۱: بهزادی، ۱۳۷۱) یافته‌های تپه زیویه مربوط به یک گنجینه عظیم می‌شود. «این گنجینه شامل اشیای بی شماری از طلا، مفرغ یا عاج بود. دکتر بارت^۲ نشان داده است که آنها را در یک تابوت مسی نهاده و در آخرین ربع سده هفتم پیش از میلاد دفن کرده بودند» (رایس، ۱۳۷۲: ۷۱) آندره گدار^۳ اعتقاد دارد که «گنجینه زیویه متعلق به سده نهم پیش از میلاد است و سکاها پس از هجوم به آسیای کوچک، در اواخر سده هشتم پیش از میلاد از نظر هنری اقتباس زیادی از مانناها کرده‌اند به طوری که هنر سکاها روسیه عیناً تقلیدی از هنر ماننایی است که در آن، فن ترصیع را به کار برده‌اند.» (بهزادی، ۱۳۷۱: ۱۰۵۱) البته کشف گنجینه زیویه به دست ساکنان منطقه صورت گرفت، و چون آنها بخشی از آثار را بین خودشان تقسیم کرده‌اند، (و احتمالاً هرگز به موزه‌های رسمی تحویل نداده‌اند) محققاً نمی‌توان درباره‌ی کمیت محتوای این گنجینه اظهار نظر کرد. (کالیکان، ۱۳۸۵: ۳۲) با توجه به مطالب ذکر شده در منابع گوناگون، با وجود اینکه اساس و مبنای هنر ماننایی بر خصوصیت‌های بومی متکی است، اما جنبه تلفیقی آن قابل انکار نیست.

هنر اورارتویی به طرز وسیعی تحت تاثیر هنر آشوری بود و با وجود اینکه تا چند دهه پیش به عنوان شاخه‌ای از هنر آشوری مورد مطالعه قرار می‌گرفت، سه خصوصیت منحصر به فرد دارد: ۱- نسبت به سایر تمدن‌ها، مذهب، در مقایسه با مولفه‌های دیگر فرهنگی، نمود بیشتری در آثار هنری دارد. ۲- ارجحیت تزئین صرف نسبت به صحنه‌های بازنمایی شده از زندگی. ۳- بازتولید آثار قبلی در همان شکل سابق به جای ترمیم و بهبود بخشیدن آنها. در واقع سبک اورارتویی برای قرن‌های متمادی بدون تغییر باقی ماند. (آفاناس او و دیاکونوف^۴، ۱۹۶۸)

رقیه بهزادی، پژوهشگر حوزه‌ی تمدن‌های شمال غرب کشور، اعتقاد دارد: «تصاویر افراد تنومند از نیمرخ که آنها را ناشیانه نشان داده‌اند، از ویژگی‌های عمده اورارتویی است. در عین حال هنرمندان اورارتویی جانوران را از لحاظ تزئینی به طرز جالب توجه نشان داده‌اند. در این نقوش تزئینی خطوط مستقیم واریب و موجدار و دوایر فراوان به کار برده شده است ... هنر اورارتویی به طور کلی جنبه تزئینی دارد و اغلب تصاویر موجودات در بستر تزئینات نشان داده می‌شود» (بهزادی، ۱۳۷۳: ۲۲۰) فرهنگ بین‌النهرین باستان را که از هزاره سوم قبل از میلاد، زمان حکومت سومریها و اکدی‌ها آغاز شد و در هزاره دوم و اول در زمان فرمانروایی بابلی‌ها و آشوری‌ها به اوج رسید. (مورتگات، ۱۳۹۰: ۳) هنر این منطقه نیز، هم‌راستا با فرهنگ آن اوج و فرود داشت. در قدیمی‌ترین آثار هنری باقی‌مانده که متعلق به تمدن‌های سومری و اکدی است، در برگرفته سه شاخه مختلف است: معماری، مجسمه و نقش برجسته. مورتگات شیوه «طبیعت‌گرایی» و «نمادین» را تعیین‌کننده الگوی اصلی هنر سومری می‌داند. (همان: ۳-۵) همینطور داشتن چشمان نسبتاً بزرگ و اندام‌های منحنی‌وار از دیگر ویژگی‌های هنر تمدن مذکور است. (گاردنر، ۱۳۹۱: ۵۲) هنر بابلی سرشار از موجودات افسانه‌ای و موضوع‌های اساطیری است. در واقع بن‌مایه اصلی هنری اساطیری آشور آثار بابلی است. در آثار مذکور حضور نمادین اغلب جانوران سبب شده است تا بار معنایی پیچیده‌تری بر فضای هنری بابل باستان حاکم شود. هنر آشوری یک موضوع عمده دارد: پادشاه، (آلبندا، ۱۹۶۹: ۴۱-۵۲). البته بقیه مضمون‌ها هم به جهت نیاز اجتماعی و مردمی هنوز خلق می‌شدند. ولی در اکثر آثار یافت شده، پادشاه نقش محوری در نقش کلی دارد. توجه به آناتومی بدن انسان و واقع‌گرایی در ارتفاع انسان از مهمترین ویژگی‌های هنر آشوری است. تمدن‌های بین‌النهرین با ظهور امپراطوری‌های ماد و هخامنشی بخش اعظمی از قدرت خود را از دست دادند.

۵- یافته‌ها

در این بخش با مینا قرار دادن آثار هنری تپه زیویه تلاش خواهد شد تا برخی از عناصر بصری و مفهومی آنها در تمدن‌های همجوار شناسایی شود. اولین گروه مربوط به یک پلاک سینه، کشف شده از گنجینه تپه زیویه می‌شود. پلاک طلائی، شامل دو ردیف تقریباً مساوی می‌شود. طوری که میانه هر کدام را نقش درخت زندگی پوشانده و طرفین آن را موجودات افسانه‌ای و جانوران بالدار گرفته‌اند. «این درخت در ردیف بالایی به وسیله بزهای کوهی در میان گرفته شده است و در پایین با گاوهای بالدار.

۱. همینطور رجوع کنید به سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۵۴.

2. Barnett

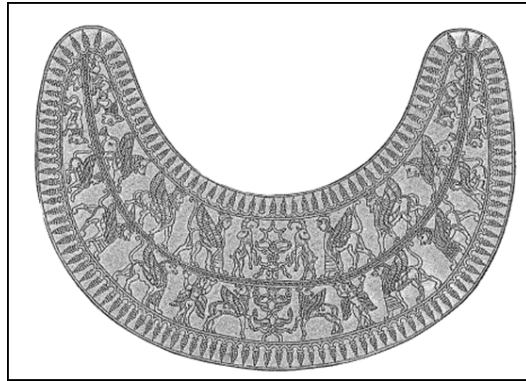
3. André Godard

4. Afanas eva V. K., Dyakonov Y. M

در هر سو یک گاو بالدار با سر انسان با قیافه آشوری قرار دارد.» (پرادا، ۱۳۸۳: ۱۸۳) ولی این پلاک علاوه بر اینکه متأثر از هنر آشوری است، از هنر اورارتویی هم به همان اندازه الهام گرفته است. در تصویر ۲ پلاک آویزی را می بینیم که به نوعی هم شکل پلاک زیویه است. با اینکه به ظاهر یک ردیف داریم، اما وجود دو درخت زندگی، بزهایی که روی شاخه های آن ایستاده اند و همینطور موجودات افسانه ای کنار درخت، شباهت های بیشماری را میان دو اثر مذکور یادآوری می کند. به همین دلیل قطعاً نمی توان گفت که جانوران افسانه ای در پلاک تپه زیویه تحت تاثیر تمدن آشوری هستند. چرا که تشابهات ظاهری و بصری، مخاطب را به تأمل بیشتری وادار می کند.



تصویر ۲- پلاک تمدن اورارتو، ۸۵۰ ق. م، The Metropolitan Museum of Art



تصویر ۱- پلاک تپه زیویه، ۷۵۰ ق. م، The Metropolitan Museum of Art

درخت زندگی در میانه ی پلاک، در اکثر تمدن های باستانی با مفهوم باروری، و حضور روح ازلی در بطن درخت در ارتباط بوده است. «این شکل به طور گسترده ای از سده دهم پیش از میلاد به بعد در یادمانهای آشوری به کار رفته است، با حضور جانوران در اطراف آن که احتمالاً جهت مراسم باروری ساخته شده بودند» (هال، ۱۳۹۰: ۲۹۰) در واقع درخت زندگی در همه فرهنگ ها حضور داشت ولی هر کدام معنا و مفهوم نسبتاً متفاوتی برای آن در نظر می گرفتند.



تصویر ۳- بخش از یک کمر بند طلایی، تپه زیویه، ۷۵۰ ق. م، The Metropolitan Museum of Art



تصویر ۴- نقش برجسته آشوری، خدایان کنار درخت مقدس، ۹۵۰ ق. م، Life.com

مورد دیگری که نفوذ تمدن آسیای صغیر را در این پلاک تقویت می کند، حضور جانوران بالدار است. گرچه شیرهای بالدار در تمدن آشوری بسیار دیده شده است اما منشاء اصلی این نقوش در سوریه و ترکیه امروزی است. جایی که در هزاره دوم ق. م برای اولین بار در منطقه، و به تقلید از هنر مصری، نقش جانوران بالدار به کار گرفته شدند. (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۱۶۶) در حقیقت، با تبارشناسی دقیق تر نقوش این پلاک به نظر می رسد، با توجه به روابط تنگاتنگی که میان تمدن اورارتویی و ماننایی برقرار بوده

است، ریشه اصلی جانوران بالدار و قالب کلی اثر به آسیای صغیر مربوط است و تمدن آشوری حضور خود را در تراکم نسبتاً بالای تزئینات اثبات می‌کند. تاثیرپذیری توامان از تمدن های آشور و اورارتو را با مقایسه تصاویر ۳ و ۴ دقیق‌تر می‌توان بررسی کرد. آشوریان درخت زندگی را علاوه بر مفهوم باروری برای گرمای داشت جایگاه پادشاه هم به کار می‌بردند. خدایان در اطراف درخت زندگی از روح ازلی و ابدی پادشاه نگهبانی می‌نمودند. (همان: ۲۸۳)

در تصویر ۴ نیز به احتمال فراوان قصد بر این است. ولی در مقام مقایسه با تصویر ۳، اگرچه ظاهر کلی و قالب اصلی اثر تپه زیویه ملهم از هنر آشوری است ولی با نگاه دقیق‌تر به چهره انسانی جانور افسانه ای تاثیرات تمدن اورارتو آشکار می‌شود. تقریباً مهمترین ویژگی چهره آشوری، وجود ریش بافته شده و بلند است. طوری که تقریباً نیمی از صورت پوشانده شده است. صورت بدون ریش یکی از خصوصیات تمدن اورارتویی است. تبسم داشتن و کامل نبودن ریش چهره انسانی هم بر تاثیر هنر اورارتویی صحنه می‌گذارد و هم نشان از یک سبک واحد برای هنر مانایی است. چرا که در نقوش آجرهای لعابداری که از تپه قالاچی، پایتخت مانناها، به دست آمده همین ویژگی رویت شده است. (تصاویر ۵ و ۶)



تصویر ۶- نقش برجسته اورارتویی، ۹۰۰ ق. م. The Metropolitan Museum of Art



تصویر ۵- نقش آجر لعابدار، تپه قالاچی، ۸۰۰ ق. م. (حسن زاده، ۲۰۱۱)

بنابراین، هنرمندان ماننایی در ترسیم پلاک سینه طلایی، برخلاف آنچه که از ظاهر امر تصور می‌شود، تمام و کمال در قید و بند هنر آشوری نیستند و عناصر مهمی از هنر اورارتویی و خصایص منحصر به فرد هنر بومی را مورد نظر داشته‌اند.

گروه دوم، دستبند به ظاهر ساده ای است که با سر دو شیر تزئین شده است. این دستبند همانطور که از تصاویر ۷ و ۸ برمی‌آید، هم در قالب کلی و هم در انتخاب نوع جانور، متأثر از هنر اورارتویی است. دارنده این دستبند، در حقیقت خدایان را نگهبان خود کرده است. چرا که شیر علاوه بر نقش نگهبانی، برخی مواقع نماد الهه جنگاوری بوده است. (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۱۹۷). اگر از زوایه افقی به دستبند نگاه کنیم، دو زوج دیگر از سردیس شیر را خواهیم دید. در حقیقت «وجود جفتی از سردیس شیر یکی از خصوصیات مهم هنر آشوری است.» (ویلکسون، ۱۹۶۹: ۲۱۴) شاخصه‌ای که بیشتر در تزئین چاقو و شمشیر خودش را نشان می‌داد. از این طریق مبارز هم قدرت بیشتری داشت و هم در مقابل ضربه‌های دشمن مقاوم می‌شد. همانند سایر ویژگی‌های فرهنگی یا هنری این تمهید هم، ریشه در گذشته‌های بسیار دور دارد. از نیمه‌ی اول هزاره چهارم پیش از میلاد در بین النهرین، از ترکیبات مزدوج سردیس‌های شیر برای تزئین آثار هنری استفاده می‌کردند. (تصویر ۹) بنابراین با وجود تشابه ظاهری فراوان دستبند ماننایی به اثر اورارتویی، تعدد سردیس‌های مزدوج شیر، باعث می‌شود تا نقش تمدن‌های باستانی بین النهرین، در شکل‌گیری معنایی متفاوت برای دستبند زیویه، بیشتر آشکار شود.



تصویر ۹- مهر استوانه ای، اوروک، ۳۵۰۰ ق. م. Mesopotamia.com



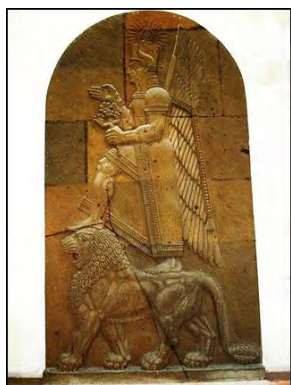
تصویر ۸- دستبند، اورارتو بی، ۹۰۰ ق. م. The Metropolitan Museum of Art



تصویر ۷- دستبند، تپه زیویه، ۷۵۰ ق. م. (ویلکسون، ۱۹۶۹)

گروه سوم متعلق به روایت نزاع انسان با شیر است. قدرت والایی که برای شیر در تمدن های باستان فرض گرفته شده بود، سبب می شد تا پادشاهان یکی از تجلیات قدرت خود را در نبرد با شیرها نشان دهند. این ایده از همان تمدن های ابتدایی بین النهرین مورد توجه قرار گرفت. نقش نبرد انسان شاکردار با شیر در مهر استوانه‌ای (تصویر ۱۱) یکی از اولین نمونه‌هاست. همانطور که در تصویر مشاهده می شود، هم انسان و هم شیر دارای ویژگی‌های افسانه‌ای هستند. شاخ و دم در انسان، و بدن کشیده شیر، باعث تشابه طرفین نزاع گردیده است. که ناشی از بینش کاملاً اساطیری آن دوران است. ولی به تدریج شکل رئالیستی به خود می گیرد و در هنر آشوری نمایش طبیعت محور اصلی واقع می شود. در اثر مورد بحث بخش سوم یافته ها که مربوط به یک نقش برجسته روی عاج است، شاهد مبارزه انسان و شیر هستیم. هیچ نشانی از افسانه ها نیست. هر دو حالت طبیعی دارند.

اما اگر بخواهیم این اثر را از جهات مفهومی و بصری تبارشناسی کنیم، نباید به آسیای صغیر متمایل شویم، چرا که در فرهنگ آن منطقه خدای بزرگ هالدی در شکل پادشاهی ایستاده بر روی شیر نمایش داده شده است. و تقریباً در هیچ اثری از آن تمدن نزاع شیر و انسان دیده نمی شود. جستجوی ریشه های این اثر تنها در بین النهرین ممکن است، منطقه‌ای که شیر دلالت های فراوانی داشت. مظهر قدرت، نگهبان سرزمین، تجلی الهه جنگاوری و حتی نماد نیروی شر. معانی گوناگون شیر در این فرهنگ ها سبب می شد تا استفاده های گوناگونی نیز از آن در آثار هنری دیده شود، طوری که از قدیمی ترین تمدن ها، نقش نزاع شیر با انسان دیده می شود. بنابراین نقش نزاع شیر و انسان در آثار تپه زیویه از لحاظ مفهومی مربوط به تمدن های پیش از آشوری، و از جهت بصری مربوط به تمدن آشور است. هر چند در هر دو مورد سهم عناصر بومی و داخلی انکارناپذیر است.



تصویر شماره ۱۲ - نقش برجسته، هالدی، ۹۰۰ ق. م، (Wikipedia.com)



تصویر شماره ۱۱ - مهر استوانه ای، اکد، ۲۲۰۰ ق. م



تصویر شماره ۱۰ - عاج، تپه زیویه، The. م. ق. ۷۵۰

نتیجه گیری

سوال اول تحقیق درباره‌ی ریشه های بصری آثار هنری تپه زیویه در هنرهای باستانی آسیای صغیر و بین النهرین بود که با توجه به یافته های ارائه شده نتیجه گرفته می شود:

- قالب کلی اکثر آثار براساس هنر آشوری انتخاب شده و تنها در مورد دستبند طلایی شکل کلی اثر مبتنی بر هنر اورارتویی بوده است.
- جزئیات در آثار پیش گفته بیشتر از اینکه تحت تاثیر آشوریان بوده باشد، یا ملهم از فرهنگ بومی است و یا اینکه با نگاهی به هنر اورارتویی پرداخته شده است. مانند ظاهر انسانی پادشاهان، داشتن تبسم یا کم پشت بودن ریش مردان.

سوال دوم هم که مربوط به ریشه های مفهومی آثار بود، پاسخی که از یافته ها دریافت می شود عبارت است از: مفاهیم و دلالت های نقوش آثار هنری تپه زیویه، براساس تفکرات بومی شکل گرفته ولی به دلیل تاثیرات بصری همسایگان، برخی از دلالت های ضمنی وارد هنر ماننایی شده است. به طور مثال تعریف درخت زندگی از تمدن اورارتویی یا جایگاه خدایان در اطراف این درخت از تمدن آشوری. همینطور می توان به زوجیت سردیس شیرها در تمدن های بین النهرین اشاره کرد. در واقع هر اثری در کلیت خود مفهومی منسجمی دارد که آثار مذکور در این مقام مستقل هستند ولی رسوخ خرده فرهنگ ها به دلیل جنگ ها و قراردادهای سبب می شد که آثار هنری حامل تاثیرات فرهنگی هم باشند.

منابع

۱. احمدی، بابک. ۱۳۸۸، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
۲. اوالد، فرانسوا. ۱۳۸۸، ژرژدومزیل (اسطوره و حماسه در اندیشه‌ی ژرژدومزیل)، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز.
۳. بلک، جرجی. گرین، آنتونی، ۱۳۸۵، فرهنگ نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. بهزادی، رقیه. ۱۳۷۳، قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. بهزادی، رقیه، ۱۳۷۱، قوم‌های کم‌شناخته کهن: ماناها، نشریه چیستا، شماره ۸۹ و ۹۰.
۶. پرادا، ایدت، ۱۳۸۳، هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. دیاکونوف، ا. م. ۱۳۵۷، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۸. رایس، تامارا تالبوت. ۱۳۷۲، هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره‌ی اسلامی، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات تهران.
۹. کالیکان، ویلیام، ۱۳۸۵، باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی‌ها و پارسی‌ها، ترجمه گودرز اسعد بختیار، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
۱۰. گاردنر، هلن، ۱۳۹۱، هنر در گذر زمان، تهران: نشر آگاه.
۱۱. مورتگات، آنتوان. ۱۳۹۰، هنر بین‌النهرین باستان (هنر کلاسیک خاور نزدیک)، ترجمه زهرا باستی و محمد رحیم صراف، تهران: نشر سمت.
۱۲. هال، جیمز، ۱۳۹۰، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
13. Afanas eva V. K., D yakonov Y. M (1968). The Art of Western Asia from 2nd to the middle of 1st millennium BC. Monuments of world art. Issue 2 (1st series). The Art of the Ancient Orient. Moscow.
14. Albenda, P. (1969) Expressions of Kingship in Assyrian Art, V 2. The Jewish Theological Seminary.
15. Hassanzadeh, Y. (2011) New Evidence for Mannean Art: An Assessment of Three Glazed Tiles from Qalaichi (Izirtu), American Schools of Oriental Research.
16. Levine. L. D. (1974) Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros II. Iran 12: 99° 124.
17. Wilkinson C. K. (1969) Assyrian and Persian Art, the Metropolitan Museum of Art Bulletin.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

